

تأثیر باورهای مذهبی در ادبیات فارسی با تأکید بر شاهنامه ی فردوسی

منصوره احمدی جعفری^۱، محمد قادری مقدم^۲

۱- استادیار زبان و ادبیات فارسی، گروه علوم انسانی، واحد صفادشت، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲- استادیار زبان و ادبیات فارسی، گروه علوم انسانی، واحد شیروان، دانشگاه آزاد اسلامی، شیروان، ایران

چکیده

یکی از راه های آشنایی با آداب، سنن و مذاهب ملت ها خوانش و بررسی کتب گذشتگان آنان است. طی قرن های نخستین، دین اسلام و فرهنگ عرب به سبب کشورگشایی اعراب در تعامل و تقابل با فرهنگ های مختلف قرار گرفت و مسلمانان در مقام پاسخ گویی به سوالات نوظهور، به چالش کشیده شدند. این چالش ها زمینه را برای پیدایی نحله های مختلف فکری ایجاد کرد. یکی از این گروه ها معتزله بود که در قرن نخست هجری با گرایش خاص فکری و سیاسی شکل گرفت. بعدها این مذهب طرفداران سیاسی یافت و به عنوان اندیشه ی سیاسی، مورد قبول بیشتر خلفای اولیه ی بنی عباس قرار گرفت. معتزلیان به شدت عقل گرا بودند و عقل را از هر گونه محدودیت و فهم و تبیین مسائل مبراً می دانستند، آنان صرفاً عقل را ملاک تشخیص حقیقت می شمردند. این شیوه ی عقلی در خراسان که مهد علم و ادب ایران بود مورد اقبال بسیاری از نویسندگان و شعرا قرار گرفت به گونه ای که با روح کلی آثار آنان آمیخته گشت و در قالب عبارت ها و ابیات به ثبت رسید و به یادگار ماند. در این مقاله سیر جریان عقل گرایی و گسترش آن در بستر سیاسی و اجتماعی حکومت های سامانی و غزنوی در خراسان، و بازتاب دین و اندیشه ی اعتزالی در شاهنامه حکیم فردوسی مورد بررسی و تبیین قرار گرفته است.

کلیدواژه ها: مذهب شیعه، معتزله، شاهنامه فردوسی.